فصلنامه توسعه اجتماعی (توسعه انسانی سابق)، دوره ۲۰، شماره ۲، زمستان ۱۴۰۴، صفحات ۱۷۸-۱۵۱

بررسی تأثیر مؤلفه‌های طایفه‌گرایی نخبگان فکری و ابزاری استان چهار محال و بختیاری بر توسعه نامتوازن شهرستان‌های آن (۱۴۰۰-۱۳۹۲)

مرتضی صالحی[۱]، دکتر مجتبی مقصودی[۲]

تاریخ وصول: ۱۴۰۳/۱۰/۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۶/۱

چکیده:

امروزه توسعه متوازن به‌عنوان یک امر کلیدی و مهم در همه جوامع و نظام‌های سیاسی که از ساختار فرهنگی و اجتماعی ناهمگن برخوردار هستند مورد تأکید است. از سویی دیگر، در جوامعی که از تنوع و تکثر فرهنگی ـ اجتماعی، قومی ـ قبیله‌ای و ساختار نامتوازن اقتصادی ـ اجتماعی برخوردار هستند، این مسئله به‌عنوان یک چالش در مسیر توسعه فرهنگی و سیاسی مطرح است. هدف این پژوهش بررسی و تحلیل نقش مؤلفه‌های طایفه‌گرایی نخبگان فکری و ابزاری در استان چهار محال و بختیاری و ارتباط آن با توسعه نامتوازن استان در مناطق مختلف است. روش این پژوهش توصیفی ـ پیمایشی و از نظر هدف کاربردی بود. جامعه آماری شامل کل کارمندان استان چهار محال بختیاری (۱۸۰۰ نفر) بودند که ۳۴۰ نفر از آنها به‌عنوان جامعه آماری از طریق فرمول کوکران انتخاب شدند. روش نمونه‌گیری نیز نمونه‌گیری تصادفی ساده بود. ابزار پژوهش نیز شامل پرسشنامه محقق ساخته‌ای بود که مورد اعتبارسنجی قرار گرفت و پایایی آن نیز مناسب بود. یافته‌های پژوهش حاکی از تأثیرگذاری مؤلفه‌های فرهنگی ـ اجتماعی (طایفه‌گرایی و نژادی و ...) اقتصادی ـ معیشتی، رسانه‌ای و ... بر توسعه نامتوازن استان است. همچنین نقش مؤلفه‌های طایفه‌گرایی در توسعه استان پررنگ بوده است؛ اما بهتدریج در اثر توسعه اجتماعی ـ فرهنگی و استفاده از رسانه‌های ارتباطی ـ مجازی از نقش این عنصر کاسته شده است.

مفاهیم کلیدی: *طایفه‌گرایی، توسعه، توسعه نامتوازن، نخبگان فکری ـ ابزاری، چهار محال و بختیاری*

---

[۱] دانشجوی دکتری علوم سیاسی (گرایش جامعه‌شناسی سیاسی)، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران m.s517@yahoo.com

[۲] دانشیار گروه علوم سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول) mojtaba.maghsoudi@iau.ac.ir

مقدمه و بیان مسأله

امروزه مقوله توسعه متوازن دغدغه بسیاری از کشورهاست و بسیاری از نظریه‌پردازان توسعه بر کاهش نابرابری‌های موجود و رفع دوگانگی‌ها به‌عنوان یکی از اهداف اساسی توسعه تأکید می‌ورزند. وقتی کشوری توسعه‌یافته تلقی می‌شود که همه ابعاد گوناگون جامعه با هماهنگی لازم باهم ارتقا پیدا کنند و بخش‌های مختلف (فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی) اقشار و طبقات مختلف جامعه به صورت نسبی در یک ردیف و سطح مطلوبی باشند و میان این سطوح و ابعاد شکاف و گسل عمیقی وجود نداشته باشد (*Wang & Feng, 2021*)؛ بنابراین بهترین وضعیت برای یک جامعه آن است که ابعاد گوناگون نظام اجتماعی هماهنگ باهم رشد یابند که به آن توسعه همه جانبه اطلاق می‌شود. به‌عبارت دیگر نمی‌توان به راحتی از توسعه یک بُعد جامعه بدون در نظر گرفتن ابعاد دیگر آن صبحت کرد (*Kim, 2018*). بر این اساس باید تلاش کرد تا دوگانگی در عرصه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و ... در فضاهای مختلف جغرافیایی کاهش یابد و توازن و تعادل بین فضاهای جغرافیایی فراهم شود. توسعه نامتوازن بین منطقه‌ای و درون منطقه‌ای به‌عنوان مشکلی بزرگ در توسعه منطقه‌ای کشورهای در حال توسعه به شمار می‌رود که این نابرابری‌ها مخالف اصول توسعه متوازن و عدالت محور است (*Kozminski & et. al, 2020*).

یکی از مهم‌ترین دلایلی که در توسعه نامتوازن مورد توجه اندیشمندان و محققان قرار گرفته است، مرکزیت‌گرایی است که در آن علاوه بر تدوین سیاست‌ها از مرکز حکومت برای مناطق پیرامونی، نوع توزیع امکانات و خدمات نیز از همین رابطه مرکز ـ پیرامون متأثر است و نوعی تمرکزگرایی منابع در مرکز وجود دارد که این امر باعث عقب‌ماندگی در مناطق پیرامون می‌شود (*Li & et. al, 2020*).

در کنار تمرکزگرایی و مرکزیت محوری، طایفه‌گرایی عنصر مهم دیگری است که نمی‌توان تأثیر آن را در توسعه نامتوازن مناطق حاشیه‌ای کشور و این استان نادیده گرفت. تأثیر این عنصر در مناطق و استانی‌هایی را که دارای طوایف و قومیت‌های مختلفی هستند، به‌صورت محسوس‌تر نمایان است (*Abedizadeh & et. al, 2021*). در جوامعی که طایفه‌گرایی پررنگ است، نخبگان فکری و ابزاری در آن جامعه سیاست‌ها و نظام‌نامه‌ها را به‌گونه‌ای تدوین و اجرا می‌کنند که توزیع منابع و ارزش‌ها به نفع مناطق هم قوم و بستگان آن نخبگان باشد، در نتیجه این نوع توزیع ارزش‌ها باعث عدم توازن و تعادل در توسعه مناطق آن جوامع می‌شود (*Mirzaei Tabar & et.al, 2017*). این فرهنگ طایفه‌گرایی در برخی استان‌ها که دارای اقوام و طوایف مختلف هستند، به صورت مشهود وجود دارد و در

سطوح مختلف بروز پیدا می‌کنند. مثلاً در زمان شرکت در انتخابات افراد به نامزدهای انتخاباتی رأی می‌دهند که از نظر قومی به آن‌ها نزدیک‌ترند یا در سطوح دیگر مانند توزیع امکانات و خدمات مسئولان و نخبگان استانی بر اساس نوعی نگاه طایفه‌گرایانه به تصمیم سازی و سیاست‌گذاری مبادرت می‌کنند که این نوع سیاست‌گذاری موجب توزیع نابرابر امکانات می‌شود که در شکل‌گیری توسعه نامتوازن مؤثر است. طایفه‌گرایی باعث می‌شود که در سیاست‌گذاری، کارگزاران سیاسی ـ اداری منابع را به‌سوی مناطقی که از نظر قومیتی وابستگی و پیوند قومی با آن منطقه یا نوعی رابطه حامی ـ پیرو میان کارگزاران و ساکنان آن منطقه وجود دارد، هدایت کنند.

استان چهار محال و بختیاری هم جزء استان‌هایی است که اقوام و طوایف لر، فارس، ترک در آن زندگی می‌کنند و با وجود اینکه از نظر جایگاه کشوری توسعه‌نیافته است، از نظر سطح توسعه‌یافتگی داخلی بین مناطق شهری ـ روستایی و بین شهرستان‌ها درگیر مسئله توسعه نامتوازن است. یکی از دلایلی که ممکن است در توسعه نامتوازن استان دخیل باشد، فرهنگ طایفه‌گرایی بین مدیران و کارگزاران اداری ـ سیاسی است که تدوین و اجرای برنامه‌ها ممکن است از جهت‌گیری قومیتی آن‌ها متأثر باشد. در این مقاله به دنبال پاسخ به این سؤال هستیم که مؤلفه‌های طایفه‌گرایی نخبگان فکری و ابزاری استان چهار محال و بختیاری چه تأثیری بر توسعه نامتوازن شهرستان‌های آن دارد؟

پیشینه پژوهش

الف) تحقیقات داخلی

هاجریان و قنبری (۱۳۹۷)، در تحقیقی با عنوان «رویکردی بر علل نابرابری توسعه در شهرستان‌های استان چهارمحال و بختیاری به تفکیک بخش‌های اقتصادی و اجتماعی با استفاده از تکنیک تاپسیس» صورت گرفته است، ۸۴ شاخص در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و بهداشتی را برای بررسی در نظر گرفتند که رتبه یک و شهرستان کوهرنگ رتبه ۶ را در بین شهرستان‌های استان دارد. در بین شهرستان‌های محدوده مورد مطالعه، نابرابری و ناهمگنی از نظر شاخص‌های انتخابی کاملاً مشهود است (*Hajarian & Ghanbari, 2018*).

نظم‌فر و پادروندی (۱۳۹۰)، در پژوهشی به تعیین درجه توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان چهار محال بختیاری در شاخص‌های انتخابی توسعه پرداخته‌اند. در این پژوهش شهرستان‌های استان بر اساس ۱۱ مؤلفه مختلف توسعه در قالب ۵۰ شاخص (با تأکید بر

شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی و کالبدی) رتبه‌بندی شدند. نتایج به دست آمده از این بررسی‌ها حاکی از آن است که شهرستان‌های شهرکرد و بروجن به ترتیب در سطح برخوردار و شهرستان‌های اردل، فارسان و کوهرنگ در سطح نیمه برخوردار و شهرستان لردگان در سطح عدم برخورداری هستند (*Nazmfar & Padarvandi, 2011*).

عبداللهی و همکاران (۱۴۰۰)، در پژوهشی به تحلیل کیفی چالش‌های پیش روی توسعه فرهنگی در قوم بختیاری شهرستان الیگودرز پرداختند؛ یافته‌ها نشان داد که بختیاری‌ها در برابر ارزش‌های توسعه‌محور کمتر مقاومت می‌کنند و تمایل دارند تا در کنار حفظ فرهنگ بختیاری، به اشاعه آن پرداخته و از مزایای سایر فرهنگ‌ها نیز برخوردار شوند. نتایج نهایی نشان داد که قوم بختیاری از ظرفیت‌های اولیه برای توسعه فرهنگی برخوردار است و بختیاری‌ها با توسل به برخی از ارزش‌ها و ویژگی‌های فرهنگی، در صدد دستیابی به یک الگوی محلی برای توسعه فرهنگی هستند، اما شرایط مذکور در سایه عدم یک سیاست و الگوی فرهنگیِ بومی شده منجر به توسعه‌نیافتگی شهرستان الیگودرز شده است (*Abdolahi & et. al, 2021*).

انصاری اردلی و همکاران (۱۴۰۰)، در پژوهشی به بررسی ۱۸ شاخص‌های اجتماعی انسانی در پنج بعد پویایی جمعیت، مدیریت آموزش و اطلاعات، امنیت و رضایت اجتماعی، تعاون و سرمایه اجتماعی و بهداشت و مبادرت کردند که بعد مدیریت آموزش و اطلاعات بالاترین رتبه و بعد امنیت و رضایت اجتماعی پایین‌ترین رتبه را به خود اختصاص داده است. در پهنه بندی دهستان ها، دهستان بازفت پایین با مقدار ۰/۷۹۵ بهترین وضعیت توسعه پایدار اجتماعی روستایی را دارد و پس از آن فلارد و پشتکوه به ترتیب با ارزش نهایی ۰/۷۲۸ و ۰/۶۹۶ وضعیت مساعدتری نسبت به دیگر دهستان‌ها به لحاظ توسعه پایدار اجتماعی روستایی دارند. دهستان دیناران با ارزش وزنی ۰/۰۴۳، پس از دوراهان و دوآب با ارزش نهایی ۰/۲۱۲ و ۰/۲۱۵ ضعیف ترین دهستان‌ها به لحاظ توسعه پایدار احتماعی روستایی بودند (*Ansari Ardeli & et. al, 2021*).

نصرت برزگر (۱۳۹۹)، در پژوهشی نتیجه گرفتند که تشویق اقوام ایرانی به حذف ناسیونالیسم افراطی قومی و نهادسازی سازمانی، بستری برای مشارکت نظام‌مند در متن نظام سیاسی فراهم می‌سازند و از طرف دیگر چنانچه احساس هویت متفاوت در کنار احساس محرومیت‌های سیاسی ـ اجتماعی قرار گیرد، می‌تواند موجد عوارض امنیتی در کشور باشد. همچنین سبکی وزنه مدیریت سیاسی به نسبت وزنه جمعیتی و احساس محرومیت‌های

اقتصادی و اجتماعی نسبت به مرکز در ایران می‌توانند احساس هویت متفاوت در قومیت‌ها را تشدید نمایند (*Nosrat Barzegar & et. al, 2020*).

سجاسی قیدری و همکاران (۱۳۹۵)، در پژوهشی به بررسی تأثیر طایفه‌گرایی و انتخابات پرداختند و به این نتیجه رسیدند که بین دو متغیر طایفه‌گرایی و توسعه سیاسی ارتباط معناداری وجود داشته است. در شهرستان ممسنی به دلیل حاکمیت بافت سنتی و غلبه عناصر متأثر از این بافت بر عناصر مدرن و تلفیق آن با برخی موانع چالش‌برانگیز، فرآیند توسعه سیاسی با موانعی مواجه بوده است. نگرش‌های محلی طایفه‌ای یکی از عوامل کلیدی بوده که در توسعه‌نیافتگی سیاسی شهرستان نورآباد ممسنی نقش داشته و به علت عبور ناقص شهرستان از مراحل توسعه سیاسی نظیر انتخابات، منجر به تثبیت نظام فکری طایفه‌گرایی شده است (*Sajasi Ghidari & et. al, 2016*).

سجادیان و همکاران (۱۳۹۴)، در پژوهشی به ارزیابی نقش طایفه‌گرایی در احساس امنیت اجتماعی پرداختند و به این نتیجه رسیده‌اند که محیط طایفه‌ای به احساس ناامنی و درگیری منجر می‌شود و تحصیلات با طایفه‌گرایی رابطه‌ای معکوس دارد (*Sajadian & et. al, 2015*).

ب) تحقیقات خارجی

Abdelrahim (2020) در پژوهشی نتیجه گرفت که قبیله‌گرایی یک بعد فرهنگی متفاوت از چهار بعد دیگر (یعنی فاصله قدرت، اجتناب از عدم اطمینان، جمع‌گرایی و مردانگی) است. همچنین قبیله‌گرایی رابطه مثبتی با فساد دارد. علاوه بر این، رابطه بین قبیله گرایی و فساد نسبت به سطح جهانی شدن کمتر است.

Abdelrahim (2020) در پژوهشی دیگر به بررسی رابطه قبیله‌گرایی در میان ملل آفریقایی پرداخت و نتیجه گرفت که بین قبیله‌گرایی و ظلم رابطه خطی وجود دارد و هرچه دموکراسی پایین‌تر باشد ظلم بیشتر است.

Tabiee & et. al (2020) در پژوهشی نتیجه گرفتند که بین قبیله‌گرایی سیاسی و توسعه‌یافتگی استان کهگیلویه و بویر احمد پارادوکس‌ها و کشمکش‌های متعددی وجود دارد و افزایش تمایل به قبیله‌گرایی سیاسی، موجب کاهش توسعه‌یافتگی در استان می‌شود؛ اما توسعه و افزایش آن در جامعه اثرهای قبیله‌گرایی سیاسی را کمرنگ می‌کند و موجب از بین رفتن روحیه قبیله‌گرایی سیاسی می‌شود.

Calark & et. al (2019) در پژوهشی به بررسی ماهیت طایفه‌گرایی پرداختند و نتیجه که تعصب قبیله‌ای یک ویژگی طبیعی و تقریباً غیرقابل ریشه‌کن کردن است و هیچ گروهی ـ حتی گروه خود از آن مصون نیست.

Dincer (2008) در پژوهشی به بررسی رابطه تنوع قومی و فرهنگی و فساد را در ایالت‌های امریکا پرداخت و به این نتیجه رسیده است که در برخی مناطق تنوع قومی موجب فساد می‌شود. از نظر وی یک نوع رابطه خطی مثبت میان قطبی‌سازی قومی، مذهبی و فساد وجود دارد. تحقیقات در مورد فساد سیاسی علاوه بر شناسایی علل فساد سیاسی، نتایج اقتصادی فساد سیاسی را هم کشف کرده است. به باور نویسنده، در ادبیات موجود در مورد فساد سیاسی مشخص شده است که فساد سیاسی با تنوع قومی یا مذهبی، اندازه دولت، رانت جویی و هزینه‌های دولت تعیین می‌شود.

چارچوب نظری پژوهش

توسعه نامتوازن[1]

توسعه نامتوازن در مقابل توسعه متعادل قرار می‌گیرد که در آن امکانات و منابع بدون توجه به استعدادها و ظرفیت‌های محیط توزیع می‌شود و توزیع نامناسب و نامتعادل امکانات و منابع باعث نابرابری در پیشرفت منطقه‌ای می‌شود که در یک حوزه، یک بخش نسبت به بخش دیگر پیشرفته‌تر است و بخش دیگر باوجود همان ظرفیت و یا حتی ظرفیت بهتر، از توسعه مناسبی برخوردار نیست (*He & et. al, 2020*). در حقیقت توسعه‌ای نامتوازن است که در یک بُعد ما مشاهده کنیم که ابعاد و رویکردهای اقتصادی به نسبت قوی وجود دارد اما شاخص‌های توسعه سیاسی و اجتماعی به‌صورت محدودی وجود دارد. در همین چارچوب قریب به اتفاق علما و اندیشمندان تئوری توسعه، دست یافتن به بهبود شرایط و وضعیت معیشتی مناسب برای همه اقشار و طبقات و نیز فراهم شدن بسترهای مدنی و توسعه سیاسی را در یک جامعه نامتوازن امکان‌پذیر نمی‌دانند، لذا توسعه نامتوازن جامعه‌ای است که در آن ابعاد مختلف توسعه با هم همسان و در ارتباط نیستند (*Razaghi, 2003:35*). توسعه نامتوازن وضعیتی است که به دلیل عدم هماهنگی بین عوامل اقتصادی و فناوری کاربردی امکان استفاده همزمان از سرمایه و نیروی کار در جامعه مسیر نیست (*Azkia & Ghafari, 2005: 30*).

[1] Unbalanced development

نخبگان (ابزاری و فکری)[1]

نخبه یا الیت به معنای فردی است که ازنظر قابلیت‌ها یا توانایی‌ها برتر از بقیه افراد جامعه دانسته می‌شود. به‌عبارت دیگر، نخبگان سیاسی همان صاحبان قدرت و دارندگان مناصب عالی در یک نظام سیاسی هستند که بیشترین نقش را در پویش تحولات جامعه ایفا می‌کنند (*Mijs & Savage, 2020*). اصل اساسی نظریه نخبه‌گرایی این است که تاریخ سیاست، تاریخ سلطه «نخبه» است و در هر جامعه‌ای اقلیتی وجود دارد که تصمیمات عمده را می‌گیرد. در یک تقسیم‌بندی کلی نخبگان به دو نحله ابزاری (کسانی که مدیریت جامعه و ساختار تصمیم‌گیری) را بر عهده دارند؛ از جمله آنها از سطح کلان تا ریز می‌توان به رئیس جمهور، وزرا، استانداران، فرمانداران، دهیاران و ... را در بر می‌گیرد. نخبه فکری (کسانی که از هوش و ذکاوت بالایی برخوردار هستند و به رغم اینکه در تصمیم‌گیری و مدیریت کلان حضور ندارند اما با فکر و بینش خود، توان تأثیرگذاری بالایی در سطح جامعه دارند. از جمله مهم‌ترین این اقشار می‌توان به اساتید دانشگاه، روشنفکران، صاحب‌نظران، فعالین، نویسندگان و ... اشاره کرد. نخبگان ابزاری صاحب قدرت سیاسی و اقتصادی هستند؛ یعنی کسانی که بر اساس دلایل احساسی یا فایده‌گرایانه نقش نمایندگی به آن‌ها واگذار می‌گردد. مثلاً کسانی که در نظام‌های مجلسی به نمایندگی انتخاب می‌شوند صرفاً و لزوماً به حکم شایستگی و مهارت به مناصب مربوطه دسترسی پیدا نمی‌کنند. در ارتباط میان نخبگان فکری و ابزاری، ذکر این نکته ضروری است که زمینه را برای بروز و ظهور نخبگان فکری در جامعه فراهم نمایند و از این ره‌آورد رهیافتی برای اداره کارآمد جامعه فراهم کنند (*Bashiriyeh, 2007: 68*).

طایفه‌گرایی

طایفه‌گرایی نوعی احساس و انگیزه درونی در افراد ساکن در مکان و فضای جغرافیایی خاص است که ارزش‌های مرتبط با نحوه ادراک از مکان و محل زیست را بر ارزش‌های فراتر از محل یا مرتبط با محل‌های دیگر را ترجیح می‌دهند (*Roumina & Sadeghi, 2015*). به سخن دیگر، مبحث طایفه‌محوری ناظر بر اثرگذاری عناصر مکانی و جغرافیایی در پسندها و مطلوب‌های مؤثر در رفتار رأی‌دهندگان ساکن محدوده‌های خاص (پایگاه حمایتی) زادشهری است. نیز، طایفه‌گرایی دیدگاهی است که بر اساس آن گروه خویشاوندی مرکز همه چیز می‌انگارد و همه چیز با توجه با آن سنجیده می‌شود (*Azad Armaki & Ayar, 2020*).

[1] instrumental and intellectual elites

مهم‌ترین وجه ممیزه زندگی اقوام، سیستم خاص سیاسی ـ اجتماعی و فرهنگی آن‌هاست. همانند دیگر اقوام (کرد، بلوچ، ترک و ...) طایفه‌گرایی ویژگی‌های مهم حیات اجتماعی ـ سیاسی است. از متغیرهای اجتماعی مهمی که بر رفتار سیاسی ـ اجتماعی این قوم در طول تاریخ تأثیر فراوانی داشته است، بافت و ساخت قومی ـ قبیله‌ای و سنتی موجود در این قوم است. به‌عبارتی طایفه‌گرایی الگوی ذهنی بسیار شایعی است که بر اساس آن، فرد فرهنگ گروه خود را برتر از دیگران می‌داند و از دیدگاه ارزش‌های اجتماعی درونی خود، درباره ارزش‌های جامعه دیگر داوری می‌کند (*Sohrabi Samireh & et. al, 2020*). احساس تعلق به گروه یا طایفه‌گرایی به معنای تمایل به در نظر گرفتن روش‌های فکری و رفتاری گروه خود به‌صورت معیارهای عام است. برای این مفهوم دو وجه قائل می‌شوند: یکی تمایل فرد نسبت به درون گروه است که در حالت طایفه‌گرایی شدید، فرد گروه خود را بافضیلت و برتر می‌بیند و ارزش‌های گروه خود را ارزش‌های عام تلقی می‌کند و وجه دیگر آن، تمایل فرد نسبت به برون‌گروه است (*Niazi & et. al, 2017*). اگر چه جمعی زندگی کردن در طوایف همبستگی اجتماعی را در آن‌ها تقویت کرده است اما از طرف دیگر به زمینه را برای جنگ و خشونت‌های جمعی ـ طایفه‌ای ایجاد نموده است. از تعصبات و خودبرتربینی‌ها و رقابت‌های قبیله‌ای در برخی مواقع به‌عنوان مزایای زندگی متنوع و متکثر فرهنگی ـ اجتماعی آن یاد شده است؛ اما باید گفت که به زعم این مسئله، شاهدیم که در برهه‌های زمانی و مکانی مختلف بعضاً کوچک‌ترین مسائل تبدیل به بزرگ‌ترین درگیری‌ها شده و حتی این درگیری‌ها به استفاده از سلاح گرم نیز می‌انجامد. نزاع، کشمکشی مشهود و مستقیماً قابل رؤیت، حداقل بین دو نفر یا کشمکشی بین افراد یا جمعی بر سر ارزش‌ها، ادعا، وضعیت، قدرت یا منابع کمیاب است که در آن، گروه درگیر در نزاع از برتری ارزش یا ادعاهای خود حمایت می‌کنند. به زعم مرتون و نیزبت، وضعیتی که به بی‌سازمانی اجتماعی در جامعه منجر می‌شود، در درجه نخست به‌دلیل فروپاشی هنجارها و توقعات و در وهله دوم به دلیل تضاد است (*Shaterian & et. al, 2015*). نزاع جمعی درگیری یا دعوایی است که معمولاً با انگیزه‌های فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بین عده‌ای از افراد در درون یا در بین جوامع عشایری، روستایی یا شهری به‌طور محدود یا گسترده و به‌صورت مسلحانه یا غیر مسلحانه به وقوع می‌پیوندد. این نزاع معمولاً به خساراتی مادی و معنوی منجر می‌شود و سرانجام، ممکن است به‌طور نسبی و به صورت رسمی یا غیر رسمی تمام شود یا طبیعتاً خسارات وارده، منشأ درگیری‌های دیگری شود و تا مدت‌ها به اشکال مختلف ادامه یابد (*Ashayeri & et. al, 2023*).

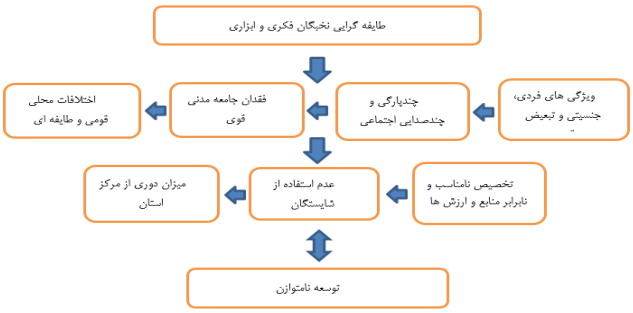
نزاع دسته‌جمعی یکی از مصادیق خشونت است و انطباق خاصی با نظریه‌های انحرافات دارد. از جمله نظریه‌های جامعه‌شناسی که در ارتباط با مسئله نزاع مطرح است، مفهوم بی‌هنجاری (آنومی از دیدگاه دورکیم و مرتون) است. ناهنجاری متضمن فقدان، گسست، شکست یا تعارض هنجارهای مربوط به وضعیتی می‌شود که انجام امور فارغ از هر گونه هنجاری است و در آن حالت موضوعی جز اشتهای فردی و کنترل ناپذیری اشخاص باقی نمی‌ماند که این اشتها بی‌حد و حصر و اشباع‌ناپذیر است (*Vowel, 2007*). در این خصوص، مطابق باور اصلی دورکیم، زندگی بدون وجود الزام‌های اخلاقی یا ضرورت‌های اجتماعی تحمل‌ناپذیر است و در نهایت، به شکل‌گیری پدیده آنومی یعنی نوعی احساس بی‌هنجاری منجر می‌شود که اغلب، مقدمه‌ای برای بروز کج‌روی و خودکشی است (*Afshani & et. al, 2015*). از نظر مرتون، این مفهوم به نارسایی فشارهای ساختی جامعه برای همنوایی با ارزش‌های فرهنگی آن برمی‌گردد و ناگزیر به پدید آمدن انحرافات می‌انجامد. از نظر دورکیم، علت آشکار تحقق آنومی تحول شتابان اقتصادی است؛ زیرا این تحولات، نوعی بحران را در نظام ارزشی و هنجاری جامعه به دنبال دارد. بدین ترتیب، در اندیشه دورکیم، نزاع و سایر اشکال کژرفتاری‌ها معلول مکانیسم‌های معین و عوامل اجتماعی مشخص هستند. او به‌طور خاص بر روی نزاع تأکید نمی‌کند، اما آشکارا براین اصل تأکید دارد که فقدان اجماع درباره ارزش‌های تعیین شده به محو و غیبت تدریجی آتوریته و ضابطه اخلاقی منجر می‌شود و جامعه، مدیریت مؤثر و کنترل اجتماعی لازم را بر فرد از دست می‌دهد. ثبات اجتماعی برخاسته از قواعد اخلاقی و نحوه مدیریت صحیح اجتماعی و منوط به چگونگی اعمال کنترل اخلاقی بر افراد یک جامعه است؛ از این‌رو، فقدان چنین ضابطه کنترلی و مدیریت اخلاقی در بروز بی‌هنجارهای اجتماعی از جمله نزاع، نقش اساسی ایفا می‌کند (*Nazari, 2010*). مرتون، انحراف و کژ رفتاری را ناشی از گسستگی و انفصال بنیادی بین هدف‌های فرهنگی و وسایل نهادینه شده برای رسیدن بدان‌ها می‌داند؛ بنابراین، انحراف نه یک مسئله خاص فردی بلکه به شکل امری اجتماعی و برخاسته از ساخت اجتماعی است. توجه ویژه مرتون به فرهنگ‌ها و جوامعی است که تأکید بیش‌ازحدی بر ارزش‌ها و اهداف فرهنگی دارند و در مقابل بر اسباب وصول به آن اهداف، کمتر تأکید می‌کنند. بر این اساس، به دلیل تناسب نداشتن بین هدف و وسیله، تشکل و یکپارچگی فرهنگی به وجود نمی‌آید و بلکه حالتی از احساس بی‌هنجاری یا آنومی در آن جامعه حاکم می‌شود (*Hosseinzadeh & et. al, 2012*).

شایان ذکر است که یکی از موارد و عوامل مهم در گرایش افراد به نزاع، مشاهده این پدیده و یادگیری آن است که تجربه عینی نزاع نامیده می‌شود. تجربه عینی نزاع بر اساس

تئوری یادگیری اجتماعی تفسیر می‌شود. طبق تئوری یادگیری اجتماعی باندورا رفتارهای ناهنجار، مثلاً گرایش به نزاع‌های فردی و دسته‌جمعی زائیده یادگیری اجتماعی هستند (*Mohseni Tabrizi, 2003*). مشاهده رفتار ناهنجار محرکی برای افراد است تا به روش غیر معمول رفتار کنند. توجه به این نکته مهم است که کودکان مشاهده‌گر رفتار ناهنجار، خود را محدود به تقلید صرف نمی‌کنند و این امر دلالت بر آن دارد که تأثیر یک نمونه، تعمیم پیدا می‌کند. در نهایت، باندورا و همکارانش نشان داده‌اند که کودکانی که شاهد پرخاشگری بوده‌اند، بیشتر از کودکانی که در معرض چنین مشاهده‌ای قرار نداشته‌اند، به اعمال ناهنجار دست زده‌اند (*Rabbani Khorsgani & et. al, 2008*).

جکسون به‌عنوان یکی از مردم‌شناسان و محققان این حوزه نزاع‌های دسته‌جمعی را معلول سنت و آداب ایلی و طایفه‌ای در مناطق مختلف جهان به‌خصوص کشورهای عقب‌مانده و در حال توسعه معرفی می‌کند و مدعی است که نزاع و تنش‌های جمعی فرایندی است که در آن طوایف بر سر رسیدن به اهداف مشروع و غیر مشروع با هم سال‌ها می‌جنگند. در برخی از مناطق روستایی آفریقا که روستاییان که مسیر کوچ و اتراق مشترکی دارند، درگیری رخ می‌دهد. در مجموع علت اصلی منازعه آن‌ها، اختلاف و تنش در حوزه‌های مسائل ناموسی، سرقت احشام، درگیری چوپان‌ها، دخالت بزرگان و ... است. به زعم (*Tong, 2011*) طوایفی که ناهمگون‌تر هستند، احتمال بیشتری وجود دارد که خشونت بیشتری داشته باشند.

در شکل زیر روند طایفه‌گرایی و قوم‌گرایی در استان‌های قومی از جمله چهار محال و بختیاری که بر توسعه آنها تأثیرگذاشته است، آورده شده است. در حقیقت مبنای کاری این تحقیق در دو فاز کمی و کیفی بر اساس مدل زیر طراحی و تبیین شده است.



شکل ۱: مدل روند تأثیر طایفه‌گرایی و قوم‌گرایی بر توسعه

Table 1: *The Trend Model of the Effect of Tribalism and Ethnocentrism on Development*

در رابطه با مؤلفه‌های فوق باید گفت که در کشور، عدالت فضایی و عدالت اجتماعی به‌عنوان یکی از اهداف و چشم‌انداز انقلاب اسلامی مطرح بود. از آنجایی که برخی از اندیشمندان و تحلیل‌گران توسعه نامتوازن را یکی از مؤلفه‌های مهم وقوع انقلاب اسلامی مطرح کرده بودند. این اهداف و رسالت مهم در بسیاری از مناطق از جمله استان چهار محال و بختیاری به وقوع نپیوست. در این استان با توجه به حافظه تاریخی و فرهنگ سیاسی خاصی که حکم‌فرما بوده است، ذهنیت طبقات و اقشار مختلف تحت تأثیر این سازه‌ها قرار داشت. در حقیقت مسیر توسعه که بر عهده نخبگان فکری و ابزاری این استان گذاشته شده است، تحت تأثیر همین رویه‌های طایفه‌ای و قومیتی قرار گرفته است که در زمینه‌های مختلف از جمله انتخابات نمایندگان مجلس شورای اسلامی، شورای شهر و روستا به خوبی آن را می‌توان مشاهده کرد. در مجموع این بافت و ساخت در یک قالب ساختاریابی، سبب توسعه نامتوازن در بخش‌های مختلف استان چهار محال و بختیاری شده است. در این پژوهش فرضیات عبارت‌اند از:

- طایفه‌گرایی نخبگان فکری و ابزاری بر توسعه نامتوازن تأثیر معناداری دارد.
- تعصب قومی بر توسعه نامتوازن تأثیر معناداری دارد.
- عدم توجه به نخبه گرایی بر توسعه نامتوازن تأثیر معناداری دارد.
- جمع‌گرایی بر توسعه نامتوازن تأثیر معناداری دارد.
- کدخدا منشی بر توسعه نامتوازن تأثیر معناداری دارد.
- حسب‌گرایی قومی بر توسعه نامتوازن تأثیر معناداری دارد.

روش‌شناسی پژوهش

روش این پژوهش توصیفی ـ پیمایشی و از نظر هدف کاربردی بود. جامعه آماری شامل کل کارمندان استان چهار محال بختیاری (۱۸۰۰ نفر) بودند که با ۰.۰۵ درصد خطا دراین زمینه (۳۴۰ نفر) از آنها به‌عنوان جامعه آماری از طریق فرمول کوکران انتخاب شدند. روش نمونه‌گیری نیز نمونه‌گیری تصادفی ساده بود. بدین‌صورت که در مناطق مختلف چند شهر مدنظر برخی مناطق به‌صورت تصادفی انتخاب و به‌صورت حضوری و مجازی پرسش‌نامه‌ها میان اقشار و طبقات مختلف پخش و جمع‌آوری گردید. آمار توصیفی و تبیینی آنها در فصل سه آورده شده است. ابزار پژوهش نیز شامل پرسشنامه محقق ساخته‌ای بود که حاصل برخی منابع پیشین و مصاحبه‌هایی بود که محقق با برخی خبرگان انجام داد به تدوین پرسش‌نامه منجر شد. این ابزار مورد مورد اعتبارسنجی و تأیید برخی اساتید مجرب قرار گرفتند و در

قالب پرسش‌نامه میان انواع نخبگان فکری و ابزاری (کارمندان ادارات) مختلف پخش گردیدند. با توجه به شیوع ویروس کووید ۱۹ امکان جمع‌آوری حضوری داده‌ها سخت بود و خیلی از شهروندان از گرفتن پرسشنامه به‌صورت حضوری سرباز می‌زدند؛ به همین خاطر از پرسشنامه اینترنتی برای جمع‌آوری داده‌ها استفاده شد. برای پایایی نیز از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد که در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱: شاخص‌های ضریب آلفای کرونباخ و ضریب پایایی ترکیبی

Table 1: *Indexes of Cronbach's Alpha Coefficient and Composite Reliability Coefficient*

متغیرها	ضریب آلفای کرونباخ (*Alpha* >0.7)	ضریب پایایی ترکیبی (*CR>0.7*)	نتیجه
طایفه‌گرایی نخبگان فکری و ابزاری	۰.۹۲۱	۰.۹۳۰	مطلوب
تعصب قومی	۰.۸۹۰	۰.۹۱۰	مطلوب
عدم توجه به نخبه‌گرایی	۰.۸۲۷	۰.۸۸۵	مطلوب
جمع‌گرایی	۰.۸۴۲	۰.۸۹۴	مطلوب
کدخدا منشی	۰.۸۴۲	۰.۸۹۰	مطلوب
حسب‌گرایی قومی	۰.۷۷۲	۰.۸۴۶	مطلوب
توسعه نامتوازن	۰.۹۴۵	۰.۹۵۰	مطلوب

همان‌طور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود مقادیر ضریب آلفای کرونباخ تمامی متغیرهای تحقیق بیشتر از ۰.۷ به‌دست آمده و مناسب بودن پایایی با این شاخص تأیید می‌شود. مقادیر ضریب پایایی ترکیبی همه متغیرهای مورد مطالعه نیز بیشتر از ۰.۷ به‌دست آمده و بار دیگر مناسب بودن پایایی متغیرها را تأیید می‌نماید.

یافته‌های پژوهش

در این قسمت اطلاعات توصیفی متغیرهای پژوهش ارائه شده است. در جدول زیر شاخص‌های توصیفی متغیرهای تحقیق کنکاش و تلخیص شده است. لازم به ذکر است که برای ایجاد متغیرها در فضای نرم‌افزار از میانگین نمرات گویه‌ها استفاده‌شده است.

جدول ۲: شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

***Table 2:** Descriptive Indicators of Research Variables*

متغیرها	تعداد نمونه	میانگین	انحراف معیار	واریانس	بازه نمرات سؤالات		بازه نمرات کسب شده	
					کمترین	بیشترین	کمترین	بیشترین
تعصب قومی	۳۴۵	۳.۱۵	۰.۷۶	۰.۵۸	۱	۵	۱	۵
عدم توجه به نخبه‌گرایی	۳۴۵	۱.۸۷	۰.۸۶	۰.۷۴	۱	۵	۱	۵
جمع‌گرایی	۳۴۵	۲.۱۷	۰.۹۰	۰.۸۱	۱	۵	۱	۵
کدخدا منشی	۳۴۵	۳.۰۱	۰.۷۸	۰.۶۲	۱	۵	۱	۵
حسب گرایی قومی	۳۴۵	۳.۲۸	۰.۷۷	۰.۶۰	۱	۵	۱	۵
طایفه‌گرایی نخبگان فکری و ابزاری	۳۴۵	۲.۷۰	۰.۶۰	۰.۳۶	۱	۵	۱.۱۴	۴.۸۰
توسعه نامتوازن	۲.۶۱	۰.۵۹	۰.۳۴	۱	۵	۱	۴.۲۵	۰.۱۹

همان‌طور که در جدول ۲ نمایان است، میانگین نمرات طایفه‌گرایی نخبگان فکری و ابزاری برابر با ۲.۷۰ از ۵ با انحراف معیار ۰.۶۰ محاسبه شده است. به‌نحوی که کمترین مقدار این متغیر ۱.۱۴ و بیشترین مقدار آن ۴.۸۰ می‌باشد. همچنین میانگین نمرات توسعه نامتوازن برابر با ۲.۶۱ از ۵ با انحراف معیار ۰.۵۹ محاسبه شده است. به نحوی که کمترین مقدار این متغیر ۱ و بیشترین مقدار آن ۴.۲۵ می‌باشد. میانگین نمرات دو متغیر اصلی و اکثر زیر مؤلفه‌های آنها کمتر از ۳ (مرکز طیف ۵ گزینه‌ای) به‌دست آمده است، لذا می‌توان نتیجه گرفت که بیشتر افراد گزینه‌های پایین ۳ را انتخاب کرده‌اند. البته بررسی وضعیت متغیرهای پژوهش از طریق آزمون آماری معتبر در بخش آمار استنباطی تفسیر خواهد شد.

لازم به ذکر است که، کمترین مقدار نمرات متغیرها از ۱ بیشتر بوده و بیشترین مقدار نمرات متغیرها از ۵ کمتر برآورد شده است و این نشان می‌دهد که کدگذاری و ورود اطلاعات پرسشنامه‌ها به نرم‌افزار کاملاً بدون نقض و به درستی وارد شده است. همچنین چولگی و کشیدگی متغیرها در بازه امن و قابل‌قبول (۲+ و ۲-) قرار دارد که نشان از جمع‌آوری داده‌های مطلوب بوده به‌طوری که می‌توان با اطمینان بالا نتایج نمونه را به جامعه آماری تعمیم داد.

قبل از رسیدن به مرحله تحلیل لازم است تا میزان و جهت ارتباط بین متغیرها مشخص شود. به همین منظور با توجه به عدم نرمال بودن توزیع داده‌ها از ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده شده است. قدر مطلق ضریب همبستگی بین صفر و یک تغییر می‌کند و هر چه به

صفر نزدیک شود، رابطه ضعیف دو متغیر را نشان می‌دهد و هر چقدر مطلق همبستگی بین دو متغیر به یک نزدیک‌تر شود، حکایت از رابطه قوی بین آن دو متغیر دارد. جدول زیر ماتریس همبستگی را نشان می‌دهد.

جدول ۳: آزمون ضریب همبستگی اسپیرمن

Table 3: *Spearman's Correlation Coefficient Test*

متغیرها		تعصب قومی	عدم توجه به نخبه‌گرایی	جمع‌گرایی	کدخدا منشی	حسب‌گرایی قومی	طایفه‌گرایی نخبگان فکری و ابزاری	توسعه نامتوازن
تعصب قومی	مقدار همبستگی	۱						
	سطح معناداری	.						
عدم توجه به نخبه‌گرایی	مقدار همبستگی	۰.۲۹۱	۱					
	سطح معناداری	۰.۰۰	.					
جمع‌گرایی	مقدار همبستگی	۰.۴۳۱	۰.۶۳۱	۱				
	سطح معناداری	۰.۰۰	۰.۰۰	.				
کدخدا منشی	مقدار همبستگی	۰.۳۷۳	۰.۳۵۹	۰.۴۹۵	۱			
	سطح معناداری	۰.۰۰	۰.۰۰	۰.۰۰	.			
حسب گرایی قومی	مقدار همبستگی	۰.۵۸۳	۰.۲۳۲	۰.۳۳۳	۰.۳۶۲	۱		
	سطح معناداری	۰.۰۰	۰.۰۰	۰.۰۰	۰.۰۰	.		

متغیرها		تعصب قومی	عدم توجه به نخبه‌گرایی	جمع‌گرایی	کدخدا منشی	حسب‌گرایی قومی	طایفه‌گرایی نخبگان فکری و ابزاری	توسعه نامتوازن
طایفه‌گرایی نخبگان فکری و ابزاری	مقدار همبستگی	۰.۷۱۷	۰.۶۹۳	۰.۸۰۵	۰.۶۷۴	۰.۶۷۵	۱	
	سطح معناداری	۰.۰۰	۰.۰۰	۰.۰۰	۰.۰۰	۰.۰۰	.	
توسعه نامتوازن	مقدار همبستگی	۰.۴۹۰	۰.۳۰۱	۰.۴۰۹	۰.۳۰۳	۰.۳۶۵	۰.۵۱۶	۱
	سطح معناداری	۰.۰۰	۰.۰۰	۰.۰۰	۰.۰۰	۰.۰۰	۰.۰۰	۰.۰۰

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که، سطح معنی‌داری مربوط به ارتباطات دو به دویی تمامی متغیرها کمتر از حد مرزی ۰.۰۵ به‌دست‌آمده است. لذا می‌توان نتیجه گرفت که همبستگی و رابطه بین همه متغیرها تأیید می‌شود. مقدار همبستگی بین مؤلفه‌های طایفه‌گرایی نخبگان فکری و ابزاری با توسعه نامتوازن مقداری مثبت و عددی برابر با ۰.۵۱۶ محاسبه شده است. لذا می‌توان نتیجه گرفت که افزایش در میزان طایفه‌گرایی نخبگان فکری و ابزاری موجب افزایش در توسعه نامتوازن خواهد شد.

نتایج تحلیلی تحقیق

در این بخش با توجه به داده‌های تحلیل شده به تبیین فرضیات مبادرت می‌شود. در واقع این بخش از تحقیق به بررسی فرضیات تحقیق با تکنیک تحلیل مسیر پرداخته شده است. تصمیم‌گیری در خصوص تأیید یا رد فرضیات بر اساس مقدار آماره تی (*T-Value*) و سطح معناداری(*P-Value*) صورت خواهد گرفت. سطح معناداری کمتر از ۰.۰۵ و یا مقدار تی بیشتر از ۱.۹۶ تأیید فرضیات را نشان می‌دهد.

در ابتدا رابطه میان طایفه‌گرایی نخبگان فکری و ابزاری بر توسعه نامتوازن مورد بررسی قرار می‌گیرد. از نظر محققان بین طایفه‌گرایی نخبگان فکری و ابزاری بر توسعه نامتوازن رابطه معناداری وجود دارد.

جدول ۴: رابطه طایفه‌گرایی نخبگان فکری و ابزاری و توسعه نامتوازن

Table 4: *The Relationship between Tribalism of Intellectual and Instrumental Elites and Unbalanced Development*

مسیر مستقیم	ضریب مسیر (*B*)	مقدار تی (*T-Value*)	سطح معناداری	نتیجه
طایفه‌گرایی ← توسعه نامتوازن	۰.۵۵۸	۹.۸۰۵	۰.۰۰	تأیید

همان‌طور که در جدول ۴ نمایان است مقدار آماره تی و ضریب مسیر بین طایفه‌گرایی نخبگان فکری و ابزاری و توسعه نامتوازن بترتیب برابر ۹.۸۰۵ و ۰.۵۵۸ بدست آمده است ($\beta = 0.558 > 0 , t = 9.805 > 1.96 , P < 0.05$). در واقع با توجه به اینکه مقدار عدد معناداری (*T-Value*) بیشتر از ۱.۹۶ و سطح معناداری (۰.۰۰) کمتر از ۰.۰۵ بدست آمده؛ می‌توان نتیجه گرفت که این ضریب مسیر در سطح خطای ۰/۰۵ معنادار است؛ یعنی طایفه‌گرایی نخبگان فکری و ابزاری بر توسعه نامتوازن تأثیر مثبت و معناداری دارد. یعنی با افزایش یک انحراف استاندارد در نمرات طایفه‌گرایی نخبگان فکری و ابزاری، شاهد افزایش در نمرات توسعه نامتوازن به اندازه ۰.۵۵۸ انحراف استاندارد خواهیم بود. بنابراین با توجه به داده‌های گردآوری شده، فرضیه اصلی تحقیق مبنی بر وجود اثرگذاری طایفه‌گرایی نخبگان فکری و ابزاری بر توسعه نامتوازن تأیید می‌شود. در این بخش از تحقیق اثرگذاری مؤلفه‌های طایفه‌گرایی نخبگان فکری و ابزاری بر توسعه نامتوازن مد نظر قرار گرفته است. به همین منظور برای نیل به این مهم بار دیگر مدل‌سازی در فضای نرم افزار انجام شد که دراین مدل مؤلفه‌های طایفه‌گرایی نخبگان فکری و ابزاری بعنوان متغیرهای مستقل و توسعه نامتوازن به‌عنوان متغیر وابسته وارد مدل گردید. شاخص‌های مهم این مدل در جدول ۵ آورده شده است.

جدول ۵: اثرگذاری مؤلفه‌های طایفه‌گرایی نخبگان فکری و ابزاری و توسعه نامتوازن

Table 5: *The Influence of the Components of Sectarianism of Intellectual and Instrumental Elites and Unbalanced Development*

مسیر متغیر مستقل ← متغیر وابسته	*β*	*T-Value*	سطح معناداری	متغیر وابسته R^2	متغیر وابسته Q^2	F^2	*VIF*
تعصب قومی ← توسعه نامتوازن	۰.۳۲۲	۵.۴۱۳	۰.۰۰	۰.۳۳۱	۰.۱۱۴	۰.۰۸۸	۱.۷۶۵
عدم توجه به نخبه‌گرایی ← توسعه	-۰.۰۱۲	۰.۱۹۲	۰.۸۴۸	۰.۳۳۱	۰.۱۱۴	۰.۰۰	۱.۷۱۵

مسیر متغیر مستقل ← متغیر وابسته	β	*T-Value*	سطح معناداری	متغیر وابسته R^2	متغیر وابسته Q^2	F^2	*VIF*
نامتوازن							
جمع‌گرایی ← توسعه نامتوازن	۰.۱۶۱	۲.۳۹۶	۰.۰۱۷	۰.۳۳۱	۰.۱۱۴	۰.۰۱۸	۲.۱۶۳
کدخدا منشی ← توسعه نامتوازن	۰.۰۹۲	۱.۶۷۳	۰.۰۹۵	۰.۳۳۱	۰.۱۱۴	۰.۰۰۸	۱.۴۸۷
حسب‌گرایی قومی←توسعه نامتوازن	۰.۱۵۱	۲.۷۵۲	۰.۰۰۶	۰.۳۳۱	۰.۱۱۴	۰.۰۲	۱.۶۶۵
$GOF = \sqrt{\overline{Communalities} \times \overline{R^2}} = \sqrt{0.411 \times 0.549} = 0.47$							

همان‌طور که در جدول ۵، مشاهده می‌شود، مقدار شاخص *GOF* در سطح مطلوب و برابر ۰.۴۷۵ برآورد شده است. همچنین شاخص ضریب تعیین توسعه نامتوازن (۰.۳۳۱) نشان می‌دهد که مؤلفه‌های طایفه‌گرایی نخبگان فکری و ابزاری با همکاری یکدیگر توانسته‌اند ۳۳.۱ درصد از تغییرات توسعه نامتوازن را پیش‌بینی نمایند.

بعد از بررسی رابطه کلی میان طایفه‌گرایی نخبگان فکری و ابزاری و توسعه نامتوازن رابطه میان مؤلفه‌های طایفه‌گرایی طایفه‌گرایی نخبگان فکری و ابزاری (تعصب قومی، عدم توجه به نخبه‌گرایی، جمع‌گرایی، کدخدا منشی و حسب‌گرایی قومی) و توسعه نامتوازن مورد بررسی قرار می‌گیرد.

جدول ۶: نتایج براورد ضرایب معناداری تی و ضریب مسیر استاندارد شده تعصب قومی بر توسعه نامتوازن

Table 6: *The Results of Estimating the Significance Coefficients of T and the Standardized Path Coefficient of Ethnic Bias on Unbalanced Development*

مسیر مستقیم	ضریب مسیر (*B*)	مقدار تی (*T-Value*)	سطح معناداری	نتیجه
تعصب قومی ← توسعه نامتوازن	۰.۳۲۲	۵.۴۱۳	۰.۰۰	تأیید

همان‌طور که در جدول ۶، نمایان است مقدار آماره تی و ضریب مسیر بین تعصب قومی و توسعه نامتوازن بترتیب برابر ۵.۴۱۳ و ۰.۳۲۲ بدست آمده است ($\beta = 0.322 , t = 5.413 > 1.96 , P < 0.05$). در واقع با توجه به اینکه مقدار

عدد معناداری (*T-Value*) بیشتر از ۱.۹۶ و سطح معناداری (۰.۰۰) کمتر از ۰.۰۵ بدست آمده؛ می‌توان نتیجه گرفت که این ضریب مسیر در سطح خطای ۰/۰۵ معنادار است؛ یعنی تعصب قومی بر توسعه نامتوازن تأثیر مثبت و معناداری دارد. یعنی با افزایش یک انحراف استاندارد در نمرات تعصب قومی، شاهد افزایش در نمرات توسعه نامتوازن به اندازه ۰.۳۲۲ انحراف استاندارد خواهیم بود. بنابراین با توجه به داده های گردآوری شده می‌توان فرضیه اول تحقیق مبنی بر وجود اثرگذاری تعصب قومی بر توسعه نامتوازن تأیید می‌شود.

جدول ۷: نتایج براورد ضرایب معناداری تی و ضریب مسیر استاندارد شده عدم توجه به نخبه گرایی بر توسعه نامتوازن

Table 7: *The Results of Estimating the Significance Coefficients of T and the Standardized Path Coefficient of Not Paying Attention to Elitism on Unbalanced Development*

مسیر مستقیم	ضریب مسیر (*B*)	مقدار تی (*T-Value*)	سطح معناداری	نتیجه
عدم توجه به نخبه‌گرایی ← توسعه نامتوازن	-۰.۰۱۲	۰.۱۹۲	۰.۸۴۸	رد

همان‌طور که در جدول ۷، نمایان است مقدار آماره تی بین عدم توجه به نخبه‌گرایی و توسعه نامتوازن برابر ۰.۱۹۲ بدست آمده است ($\beta = -0.012 , t = 0.192 < 1.96 , P > 0.05$). در واقع با توجه به اینکه مقدار عدد معناداری (*T-Value*) کمتر از ۱.۹۶ و سطح معناداری (۰.۸۴۸) بیشتر از ۰.۰۵ بدست آمده؛ می‌توان نتیجه گرفت که این ضریب مسیر در سطح خطای ۰/۰۵ معنادار نیست؛ یعنی عدم توجه به نخبه‌گرایی بر توسعه نامتوازن تأثیر معناداری ندارد؛ بنابراین فرضیه دوم تحقیق مبنی بر وجود اثرگذاری عدم توجه به نخبه‌گرایی بر توسعه نامتوازن رد می‌شود.

جدول ۸: نتایج براورد ضرایب معناداری تی و ضریب مسیر استاندارد شده جمع گرایی بر توسعه نامتوازن

Table 8: *The Results of Estimating the Significance Coefficients of T and the Standardized Path Coefficient of Collectivism on Unbalanced Development*

مسیر مستقیم	ضریب مسیر (*B*)	مقدار تی (*T-Value*)	سطح معناداری	نتیجه
جمع‌گرایی ← توسعه نامتوازن	۰.۱۶۱	۲.۳۹۶	۰.۰۱۷	تأیید

همان‌طور که در جدول ۸، نمایان است مقدار آماره تی و ضریب مسیر بین جمع‌گرایی و توسعه نامتوازن به ترتیب برابر ۲.۳۹۶ و ۰.۱۶۱ بدست آمده است ($\beta = 0.161 , t = 2.396 > 1.96 , P < 0.05$). در واقع با توجه به اینکه مقدار عدد معناداری (*T-Value*) بیشتر از ۱.۹۶ و سطح معناداری (۰.۰۱۷) کمتر از ۰.۰۵ بدست آمده؛ می‌توان نتیجه گرفت که این ضریب مسیر در سطح خطای ۰/۰۵ معنادار است؛ یعنی جمع‌گرایی بر توسعه نامتوازن تأثیر مثبت و معناداری دارد. یعنی با افزایش یک انحراف استاندارد در نمرات جمع‌گرایی، شاهد افزایش در نمرات توسعه نامتوازن به اندازه ۰.۱۶۱ انحراف استاندارد خواهیم بود. بنابراین با توجه به داده‌های گردآوری شده می‌توان فرضیه سوم تحقیق مبنی بر وجود اثرگذاری جمع‌گرایی بر توسعه نامتوازن تأیید می‌شود.

جدول ۹: نتایج براورد ضرایب معناداری تی و ضریب مسیر استاندارد شده کدخدا منشی بر توسعه نامتوازن

Table 9: *The Results of Estimating the Significance Coefficients of T and the Standardized Path Coefficient of Kodkhoda Munshi on Unbalanced Development*

مسیر مستقیم	ضریب مسیر (*B*)	مقدار تی (*T-Value*)	سطح معناداری	نتیجه
کدخدا منشی ← توسعه نامتوازن	۰.۰۹۲	۱.۶۷۳	۰.۰۹۵	رد

همان‌طور که در جدول ۹، نمایان است مقدار آماره تی بین کدخدا منشی و توسعه نامتوازن برابر ۰.۰۹۲ بدست آمده است ($\beta = 0.092 , t = 1.673 < 1.96 , P > 0.05$). در واقع با توجه به اینکه مقدار عدد معناداری (*T-Value*) کمتر از ۱.۹۶ و سطح معناداری (۰.۰۹۵) بیشتر از ۰.۰۵ بدست آمده؛ می‌توان نتیجه گرفت که این ضریب مسیر در سطح خطای ۰/۰۵ معنادار نیست؛ یعنی کدخدا منشی بر توسعه نامتوازن تأثیر معناداری ندارد. بنابراین فرضیه چهارم تحقیق مبنی بر وجود اثرگذاری کدخدامنشی بر توسعه نامتوازن رد می‌شود.

جدول ۱۰: نتایج براورد ضرایب معناداری تی و ضریب مسیر استاندارد شده حسب‌گرایی قومی بر توسعه نامتوازن

Table 10: *The Results of Estimating the Significance Coefficients of T and the Standardized Path Coefficient According To Ethnic Orientation on Unbalanced Development*

مسیر مستقیم	ضریب مسیر (*B*)	مقدار تی (*T-Value*)	سطح معناداری	نتیجه
حسب‌گرایی قومی ← توسعه نامتوازن	۰.۱۵۱	۲.۷۵۲	۰.۰۰۶	تأیید

همان‌طور که در جدول ۱۰، نمایان است مقدار آماره تی و ضریب مسیر بین حسب‌گرایی قومی و توسعه نامتوازن به ترتیب برابر ۲.۷۵۲ و ۰.۱۵۱ بدست آمده است ($\beta = 0.151 , t = 2.752 > 1.96 , P < 0.05$). در واقع با توجه به اینکه مقدار عدد معناداری (*T-Value*) بیشتر از ۱.۹۶ و سطح معناداری (۰.۰۰۶) کمتر از ۰.۰۵ بدست آمده؛ می‌توان نتیجه گرفت که این ضریب مسیر در سطح خطای ۰/۰۵ معنادار است؛ یعنی حسب‌گرایی قومی بر توسعه نامتوازن تأثیر مثبت و معناداری دارد. یعنی با افزایش یک انحراف استاندارد در نمرات حسب‌گرایی قومی، شاهد افزایش در نمرات توسعه نامتوازن به اندازه ۰.۱۵۱ انحراف استاندارد خواهیم بود. بنابراین با توجه به داده‌های گردآوری شده می‌توان فرضیه پنجم تحقیق مبنی بر وجود اثرگذاری حسب‌گرایی قومی بر توسعه نامتوازن تأیید می‌شود.

بررسی ارتباط بین طایفه‌گرایی نخبگان فکری و ابزاری و توسعه نامتوازن به تفکیک شهرستان

جدول ۱۱ نتایج مربوط به ارتباط بین طایفه‌گرایی نخبگان فکری و ابزاری و توسعه نامتوازن به تفکیک شهرستان را نشان می‌دهد.

جدول ۱۱: ضریب همبستگی تفکیکی بین طایفه‌گرایی نخبگان فکری و ابزاری و توسعه نامتوازن با کنترل شهرستان

Table 11: *Differential Correlation Coefficient between Tribalism of Intellectual and Instrumental Elites and Unbalanced Development with City Control*

متغیر مستقل	متغیر وابسته	شهرستان	آزمون همبستگی		آزمون همبستگی تفکیکی			
			مقدار همبستگی	سطح معنی‌داری	همبستگی صفر	سطح معنی‌داری	همبستگی تفکیک شده	سطح معنی‌داری
طایفه‌گرایی نخبگان فکری و ابزاری	توسعه نامتوازن	شهرکرد	۰.۸۱۰	۰.۰۰	۰.۵۳۰	۰.۰۰	۰.۵۲۲	۰.۰۰
		بروجن	۰.۰۸۳	۰.۵۸۶				
		فارسان	۰.۱۹۴	۰.۲۷۱				
		اردل	-۰.۰۱۱	۰.۹۶۴				
		کوهرنگ	۰.۳۱۱	۰.۲۶۰				
		کیار	۰.۱۱۱	۰.۶۵۲				
		لردگان	۰.۸۳۷	۰.۰۰				
		خان‌میرزا	-۰.۱۴۱	۰.۵۵۲				
		سامان	۰.۸۷۴	۰.۰۰				
		بن	۰.۳۳۶	۰.۲۸۶				

همان‌طور که در جدول ۱۱، مشاهده می‌شود، همبستگی بین طایفه‌گرایی نخبگان فکری و ابزاری با توسعه نامتوازن در بین شهرستان‌هایی که تعداد نمونه بالایی داشته‌اند معنی‌دار شده است. لذا انتظار می‌رود که در شهرستان‌هایی که تعداد نمونه آنها کم می‌باشد؛ با افزایش نمونه معنی‌داری حاصل شود.

یافته‌های آزمون همبستگی تفکیکی نشان می‌دهد که، همبستگی مرتبه صفر بین دو متغیر طایفه‌گرایی نخبگان فکری و ابزاری و توسعه نامتوازن برابر با ۰.۵۳۰ بوده و به لحاظ آماری معنی‌دار هم می‌باشد ($P<0.05$). در حقیقت ارتباط و همبستگی بین دو متغیر مذکور بدون کنترل و در نظر گرفت شهرستان معنی‌دار بوده و تأیید می‌شود.

پس از کنترل و حذف اثر متغیر شهرستان در رابطه بین دو متغیر طایفه‌گرایی نخبگان فکری و ابزاری و توسعه نامتوازن مشاهده شد که رابطه دو متغیر مذکور معنی دار شده و مقدار آن نیز برابر ۰.۵۲۲ گزارش شده است.

با توجه به این مهم که مقدار همبستگی بین دو متغیر طایفه‌گرایی نخبگان فکری و ابزاری و توسعه نامتوازن قبل از حذف و کنترل متغیر شهرستان (۰.۵۳۰) با مقدار آن پس از حذف و کنترل اثر متغیر شهرستان (۰.۵۲۲) تفاوت فاحشی در مقدار و علامت نداشته است می‌توان این‌گونه استنباط کرد که به لحاظ آماری رابطه بین دو متغیر طایفه‌گرایی نخبگان فکری و ابزاری و توسعه نامتوازن کاملاً واقعی بوده و تحت تأثیر شهرستان نمی‌باشد.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر، بررسی و تحلیل نقش مؤلفه‌های طایفه¬گرایی نخبگان فکری و ابزاری در استان چهار محال و بختیاری و ارتباط آن با توسعه نامتوازن استان در مناطق مختلف بود.

طبق نتایج به دست آمده در درجه اول طایفه‌گرایی نخبگان فکری و ابزاری بر توسعه نامتوازن تأثیر مثبت و معناداری دارد. یعنی با افزایش یک انحراف استاندارد در نمرات طایفه‌گرایی نخبگان فکری و ابزاری، شاهد افزایش در نمرات توسعه نامتوازن به اندازه ۰.۵۵۸ انحراف استاندارد خواهیم بود. بنابراین با توجه به داده‌های گردآوری‌شده، فرضیه اصلی تحقیق مبنی بر وجود اثرگذاری طایفه‌گرایی نخبگان فکری و ابزاری بر توسعه نامتوازن تأیید می‌شود. اما تأثیر عدم توجه به نخبه‌گرایی بر توسعه نامتوازن تأیید نشده است. بنابراین فرضیه دوم تحقیق مبنی بر وجود اثرگذاری عدم توجه به نخبه‌گرایی بر توسعه نامتوازن رد می‌شود. این یافته با نتایج برخی مطالعات مانند *Hajarian & Ghanbari (2018)*، *Nazmfar & Padarvandi (2011)* و *Ansari Ardeli & et. al (2021)* همسو بود.

در تحلیل این نتیجه می‌توان گفت نخبگان در جوامع نقش اسای دارند. نخبگان در بیشتر توسعه‌نیافته و یا در حال توسعه می‌توانند آهنگ توسعه را کند یا تشدید کنند. در واقع نخبگان مختلف جامعه به خاطر تأثیرپذیری قشر جوانان و حتی سایر قشرهای جوامع از آن الگوگیری می‌کنند لذا زمانی که نخبگان بتوانند در مسیر توسعه گام بردارند احتمال زیاد دارد جامعه را با خود همراه کنند.

طبق نتایج بین جمع‌گرایی بر توسعه نامتوازن تأثیر مثبت و معناداری دارد و فرضیه اثرگذاری جمع‌گرایی بر توسعه نامتوازن تأیید می‌شود. همچنین رابطه میان کدخدا منشی بر توسعه نامتوازن تأثیر به علت نبود رابطه معنادار رد می‌شود. نهایتاً نتایج نشان

داده است که مؤلفه حسب‌گرایی قومی بر توسعه نامتوازن تأثیر مثبت و معناداری دارد و این فرضیه تأیید شده است.

در کل می‌توان گفت اکثر مؤلفه‌های طایفه‌گرایی نخبگان فکری و ابزاری استان چهار محال و بختیاری بر توسعه نامتوازن استان تأثیر دارند و امید است با کمرنگ شدن این مؤلفه‌ها ما شاهد وقوع توسعه متوازن در استان باشیم.

از محدودیت‌های پژوهش می‌توان اشاره کرد که این پژوهش در منطقه خاصی انجام شده است و برای تعمیم نتایج به سایر مناطق و کل کشور باید با احتیاط نگریست. دیگر اینکه نتایج با ابزار پرسشنامه حاصل شده ممکن است پرسش‌شوندگان دقت لازم را در تکمیل آن به کار نبرده باشند و همین بر نتایج اثرگذار بوده باشد. با توجه به یافته‌ها در مورد تأثیر طایفه‌گرایی و مؤلفه‌های آن بر روند توسعه استان چهار محال و بختیاری، راهکارهای زیر برای برون‌رفت از چالش‌های موجود و نیل به چشم‌انداز مطلوب در زیر آورده شده است:

توجه به آموزه‌های دینی و تأکید بر آنها به منظور افزایش همبستگی اجتماعی و آشنایی با آثار مخرب نزاع‌های طایفه‌ای ـ قبیله‌ای.

بسیج اجتماعی، فعال‌تر شدن و حساسیت به خرج دادن، نهادهای فرهنگی ـ تبلیغی کشور چون مساجد، بسیج، جهاد سازندگی، حوزه علمیه، انجمن‌های مذهبی دانشجویی در حل چالش‌ها و مسائل فرهنگی، مذهبی و معیشتی طبقات مختلف جامعه و پاسخ به سؤال‌ها، چالش‌ها و مطالبات بر حق آنها از طریق کار و روحیه جهادی به‌صورت عملیاتی نه صرفاً شعار.

میدان دادن به بزرگ‌ترهای قومی و محلی، معتمدان و افراد صاحب نفوذ و نظرخواهی از آنها در تدوین سیاست‌های کلان و جزئی منطقه.

آموزش به دانشجویان در دانشگاه‌ها و جوانان و فعال کردن کرسی‌های آزاداندیشی در خیابان‌ها با هدف مطالبه‌خواهی و پیش بردن آسیب‌شناسانه طرح‌های توسعه‌ای استان و مناطق مختلف.

تشکیل گروه‌های متعدد کارشناسی و خبره و برگزاری جلسات و نشست‌هایی با هدف شناخت پتانسیل‌ها و ظرفیت‌های نسبی مناطق مختلف استان.

تلاش برای فراهم کردن بستر مشارکت و فعالیت گسترده همه اقشار و طبقات این مناطق برای حل معضلات با رویه جهادی و آتش به اختیار و بسترسازی سیستم‌های

پاسخگو، شفاف در مقابل عملکرد و تصمیمات ارائه شده در سطح استان در رسانه استانی یا ملی.

References:

Ashayeri, T., Jahanparvar, T., Abbasi, E., & Raghami, F. (2023). "Sociological study of the effect of tribalism on communal strife: Meta-analysis of researches" Community Development (Rural and Urban Communities), 15(1), 197-216. doi: 10.22059/ jrd.2023.352188.668778. (Persian).

Azad armaki, T., & Ayar, A. (2020). "Reconfiguring the issue of tribalism in Iran today", Journal of Social Problems of Iran, 11(1), 37-68. doi: 10.22059/ijsp.2020.79192. (Persian).

Afshani, A.; Navaei, S.; Delbazi Assal, M. (2014). "Investigating the phenomenon of conflict among the citizens living in Yazd city", Bi Quarterly Journal of Strategic Researches on Security and Social Order, 7(9), 79-94. (Persian).

Bashiriyah, H. (2016). Political Sociology, Tehran, Nei Publishing House.

Clark, C. J., Liu, B. S., Winegard, B. M., & Ditto, P. H. (2019). "Tribalism is human nature", Current Directions in Psychological Science, 28(6), 587-592.

Hosseinzadeh, A. H., Navah, A., Anbari, A. (2012). "Sociological investigation of factors affecting the tendency to group conflict (Ahwaz city case study)", Police Science, 13(2), 191-225. (Persian).

He, Y., Lin, Z., & Chen, X. (2020). "Regional difference of water use in a significantly unbalanced developing region", Water Policy, 22(6), 1182-1199.

Kim, Y. J. (2018). "Development and analysis of a sensitivity matrix of a three-phase voltage unbalance factor", IEEE Transactions on Power Systems, 33(3), 3192-3195.

Koźmiński, A. K., Noga, A., Piotrowska, K., & Zagórski, K. (2020). The Balanced Development Index for Europe's OECD Countries, 1999-2017. Springer International Publishing.

Li, Z., He, S., Su, S., Li, G., & Chen, F. (2020). "Public services equalization in urbanizing China: Indicators, spatiotemporal dynamics and implications on regional economic disparities", Social Indicators Research, 152, 1-65.

Mijs, J. J., & Savage, M. (2020). "Meritocracy, elitism and inequality", The Political Quarterly, 91(2), 397-404.

Moradi, A., & Mahmoodi Raja, S. Z. (2022). "Sociological Explanation of the Effective Factors of the Tendency towards Salafism in Khuzestan Province; Case Study Youth of Ahvaz City", Political Strategic Studies, 11(42), 43-77. doi: 10.22054/ qpss.2021.56368.2693. (Persian).

Maqsodi, M. (2010). Ethnic developments in Iran; Causes and contexts, Tehran: Institute of National Studies. (Persian).

Niazi, M., Behrooziyan, B., Sakhaie, A., & Hoseynizadeh Arani, S. S. (2017). "Meta-analysis of the relationship between sectarian and Quarrel: Emphasis on ethnicity moderator variable", Strategic Research on Social Problems, 6(3), 1-16. doi: 10.22108/ssoss.2017.101636.1020

Mohseni Tabrizi, A. (2003). Vandalism: the basics of social psychology, sociology and psychology of vandalistic behavior in the topics of pathology and social misbehavior, publication, An. (Persian).

Nazari, J. (2014). "Sociological explanation of the tendency to group conflict in Ilam Province", Social Security Studies, 10(3), 77-94. (Persian).

Roumina, E., & Sadeghi, V. (2015). "Investigation of the Effect of Tribalism on Voting Pattern; Case Study: Nourabad Mamasani Township", Geopolitics Quarterly, 11(39), 84-116.

Rabbani Khorsgani, R., Abbaszadeh, M., Nazari, J. (2013). "Investigating socio-cultural factors affecting the tendency to collective conflict (Case Study of selected cities of Ilam province)", Social Order, 1(3), 103-126. (Persian).

Shaterian, M., Niazi, A., & Ashayeri, T. (2015). "Social Factors - Cultural Tendency to Dispute Clan (The Case Payajik Tribal Population, the City of Ahar)", Quarterly Journal of Social Development (Previously Human Development), 9(4), 67-86. doi: 10.22055/qjsd.2015.11930. (Persian).

Sohrabi Samireh, S., Navabakhsh, M., Hazrati, Z. (2020). "Investigating the Impact of Political Events and Ethnocentrism on Social Cohesion", Journal of Islamic Life Style Centeredon Health 4(3):244-257. (Persian).

Tong, R. (2009). “Explaining Ethnic Peace: The Importance of Institution, Res Publica”, Journal of Undergraduate Research, 14(11): 59-66.

Vowell, P.R. (2007). “A Partial Test of an Integrative Control Model: Neighborhood Contexts, Social Control, Self-Control, and Youth Violent Behavior”, Journal of Western Criminology Review, 8(2): 1-15.

Wang, M., & Feng, C. (2021). Revealing the pattern and evolution of global green development between different income groups: A global meta-frontier by-production technology approach. Environmental impact assessment review, 89, 106600.

Investigating the Effect of Tribalism Components of the Intellectual and Instrumental Elites of Chaharmahal and Bakhtiari Province on the Unbalanced Development of Its Cities (2014-2021)

Morteza Salehi[1], *Mojtaba Maghsoudi (Ph.D)*[2]

DOI: 10.22055/QJSD.2025.45640.2896

Abstract:

Today, balanced development is emphasized as a key and important issue in all societies and political systems that have a heterogeneous cultural and social structure. In this issue, the role of elites (intellectual-instrumental) is very important and decisive. In societies that have cultural-social, ethnic-tribal diversity and pluralism and an unbalanced economic-social structure, this issue is raised as a challenge in the path of cultural and political development. The aim of the research is to investigate and analyze the role of tribalism components of intellectual and instrumental elites in Chaharmahal and Bakhtiari province and its relationship with the uneven development of the province in different regions. In order to explain, describe and analyze the research data that was collected in the form of documents, library, internet, interview and survey, a combined research method was used in two qualitative and quantitative phases. The findings of the research indicate the impact of social-cultural components (tribalism, linguistic-racial issues, etc.), economic-livelihood, media, etc. on the unbalanced development of the province. The results indicate that the role of tribalism components in the development of the province has been prominent, but gradually due to socio-cultural development and the use of communication-virtual media, the role of this element has decreased.

Key Concepts: *Tribalism, Development, Unbalanced Development, Intellectual-Instrumental Elites, Chaharmahal and Bakhtiari*

[1] PhD Student in Political Science (Political Sociology Orientation), Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran, m.s517@yahoo.com

[2] Associate Professor, Department of Political Science, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran (Corresponding Author), mojtaba.maghsoudi@iau.ac.ir

© 2019 by the authors. Licensee SCU, Ahvaz, Iran. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution-Non Commercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0 license) (http://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/).